



مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی

اقتصاد به زبان ساده

(شماره ۱۶)

حکمران خوب

تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی

۲۰ فروردین ماه ۱۳۹۶



پیشگفتار

به منظور آشنایی هرچه بیشتر علاقمندان با مفاهیم اقتصادی و به‌کارگیری صحیح این موارد در تحلیل‌های اقتصادی، ایده تهیه و ارائه بروشورهایی با عنوان "اقتصاد به زبان ساده" در معاونت اقتصادی اتاق ایران طرح گردید و توسط مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی به اجرا درآمد. نسخه پیش‌رو، شانزدهمین خروجی این ایده می‌باشد. به منظور بهبود نسخه‌های بعدی، در انتها یک فرم ارزیابی تهیه و تنظیم گردیده است که خواهشمندیم فرم مذکور را تکمیل و از طریق دبیر کمیسیون خود یا آدرس ایمیل research-center@iccim.ir مرکز تحقیقات را از نظرات ارزشمند خود آگاه سازید.

تعریف حکمرانی خوب^۱

حکمرانی خوب مفهومی است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در ادبیات توسعه به عنوان کلید معمای توسعه مطرح گردیده و تعاریف متعددی از سوی اشخاص و نهادهای بین‌المللی برای این مفهوم ارائه شده است. برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۲، حکمرانی خوب را مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری تعریف کرده است. هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر، دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور بهتر خواهد بود. بانک جهانی، حکمرانی خوب را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. این نهاد بین‌المللی، همچنین حکمرانی خوب را به عنوان سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آنها قدرت در راستای مصالح عمومی در یک کشور اعمال می‌شود.

مسئله اصلی حکمرانی خوب، بهبود کیفیت دولت است. در الگوی حکمرانی خوب، نقش حاکمیت به عنوان فراهم کننده نهادهای پشتیبان بازار^۳ نظیر حقوق مالکیت امن، قوانین و مقررات کارآمد، حاکمیت قانون و ... بسیار حائز اهمیت است. در واقع با توجه به اینکه توانایی حاکمیت در عرضه

¹ Good Governance

² United Nations Development Programme (UNDP)

^۳ در دنیای واقعی با اطلاعات ناقص و هزینه‌های مبادله بالا، بازار به تنهایی و بدون وجود نهادهای پشتیبان بازار، با شکست مواجه می‌گردد. از اینرو در کنار بازار، حکمرانی خوب از ضروریات دستیابی به توسعه است.



این نهادها، عامل مهمی در عملکرد مناسب بازارها محسوب می‌شود، لذا فراهم‌سازی موفقیت‌آمیز نهادهای پشتیبان بازار را اغلب حکمرانی خوب می‌نامند. نکته حائز اهمیت این است که در تمامی تعاریف، منظور از حکمرانی صرفاً دولت نمی‌باشد، بلکه حکمرانی خوب نتیجه تعامل همه قوای یک کشور (مقننه، مجریه و قضائیه) است، اما در اغلب متون از اصطلاح دولت هم استفاده می‌شود. در هر جامعه، دولت برای پیاده کردن سیاست‌های خود نیازمند تصویب قوانینی کارآمد است و همچنین برای ایجاد امنیت و استقرار نظام حقوقی، نیازمند حاکمیت قانون است. بنابراین نقش همه قوا در شکل‌گیری حکمرانی خوب دارای اهمیت است.

پیدایش نظریه حکمرانی خوب

جایگاه دولت و بازار و ارتباط میان این دو نهاد کلیدی، مقوله‌ای است که همواره ذهن اقتصاددانان و سیاستمداران را به خود معطوف ساخته است. این ارتباط از قرن گذشته تاکنون با فراز و نشیب‌های متعددی مواجه بوده است. به طور کلی نظریه‌های توسعه اقتصادی را به لحاظ نگاه آنها به دولت و بازار می‌توان به سه دوره دولت بزرگ، دولت حداقل و حکمرانی خوب تقسیم کرد.

دوره نخست، دوره دولت بزرگ بود که در این دوره، دولت به عنوان عامل توسعه محسوب می‌شد. با بروز رکود بزرگ در دهه ۱۹۳۰، نظریات اقتصاددانی به نام کینز مبنی بر لزوم دخالت دولت در اقتصاد مورد توجه قرار گرفت و به این ترتیب نقش دولت در اقتصاد گسترش یافت. در واقع تفکر حاکم در آن دوران حاکی از این بود که دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، بدون دخالت دولت ممکن نیست. بنابراین تا قبل از جنگ جهانی دوم، تاحدودی دیدگاه کینز که لزوم دخالت دولت را تجویز می‌کرد، در میان کشورها وجود داشت. پس از پایان جنگ جهانی دوم، بازسازی خرابی‌های حاصل از جنگ، توجیهات محکم‌تری برای افزایش دخالت دولت در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آورد.

با وجود اینکه در دوره نخست، دولت به عنوان عامل توسعه محسوب می‌شد، اما بروز پدیده‌هایی از قبیل عدم تخصیص بهینه منابع، وجود فضای بی‌ثبات اقتصادی و بروز عدم تعادل اقتصادی در متغیرهای کلان، سبب گردید که اقتصاددانان آن دوره، این پیامدها را نتایج حاصل



از دخالت وسیع دولت در اقتصاد تلقی نمایند. بنابراین پیدایش پیامدهای منفی مذکور، منجر به این شد که در اواخر دهه ۱۹۷۰ انتقادهایی به دخالت دولت در اقتصاد وارد شود.

سرانجام در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دیدگاه مفید بودن دولت‌های بزرگ افول کرد و الگوی دولت حداقل یا دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار که خواهان کاهش نقش دولت در اقتصاد بود، به شدت رواج یافت. این الگو که در ابتدای دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های تعدیل ساختاری را توصیه می‌کرد، مبنی بر این عقیده بود که بازارها بهترین نتایج را به بار می‌آورند و قیمت‌ها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند، لذا لزومی برای دخالت دولت در اقتصاد وجود ندارد. در واقع اعتقاد حاکم بر سیاست‌های تعدیل ساختاری این بود که سیستم بازار یک سیستم خودسامان است و خودبه‌خود در مقابل تغییرات واکنش مناسب نشان می‌دهد. بنابراین در این رویکرد، نگاه به دولت از «عامل توسعه» به جدی‌ترین «مانع توسعه» تغییر یافت.

یکی از توصیه‌های نظریه دولت حداقل، حذف مداخلات دولت از بازارهای مختلف به ویژه بازار مالی بود که این اقدام سبب گسترش شدید بحران‌های مالی و تحمیل هزینه‌های سنگین بر اقتصاد کشورها گردید. از طرف دیگر با پذیرش الگوی دولت حداقل، انتظار می‌رفت که عملکرد کشورها بهبود یابد، اما مطالعات مختلف نشان داد که به دلیل ناکارآمدی نهادهای پشتیبان بازار نظیر حقوق مالکیت تضمین شده، قوانین کارآمد و قوه قضائیه سالم در کشورهای در حال توسعه، عملکرد اقتصادی اغلب کشورهای در حال توسعه نظیر روسیه، آرژانتین، بولیوی، کشورهای آفریقای غربی و ... در دهه ۱۹۸۰ ضعیف‌تر از گذشته شد؛ به نحوی که اجرای این الگو در این گروه از کشورها، بحران‌هایی را به همراه داشت و به افزایش شدید فقر، نابرابری و تورم منجر گردید. نگاهی به وضعیت کشورهای در حال توسعه در این دوره، گویای این است که این کشورها در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ که میزان دخالت دولت در اقتصادشان زیادتر بود، از نرخ رشد بیشتری نسبت به دهه ۱۹۸۰ که میزان دخالت دولت در اقتصادشان کاهش یافت، برخوردار بودند. نرخ رشد سالانه درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه در دهه‌های مذکور حدود ۳ درصد بود در حالی که از دهه ۱۹۸۰ به بعد، نرخ رشد آنها کاهش یافت و به ۱٫۷ درصد رسید. با کنار گذاشتن کشورهای چین و هند، میانگین نرخ رشد کشورهای در حال توسعه حتی از ۱٫۷ درصد هم پایین‌تر بود. با توجه به این آمار، حقایق گویای آن است که دخالت دولت همواره پیامدهای منفی به دنبال نداشته است. لذا از اواسط دهه ۱۹۹۰ نارضایتی نسبت به الگوی دولت حداقل



شکل گرفت و از پایان این دهه، با شکست هر یک از دو رویکرد توسعه دولت محور و توسعه بازار محور، رویکرد حکمرانی خوب (دولت موافق بازار) مورد استقبال قرار گرفت. این الگو راهکار توسعه را نه دولت بزرگ و نه دولت حداقل، بلکه دولت خوب^۱ می‌داند؛ به عبارت دیگر مداخله کم یا زیاد دولت مشکل توسعه را حل نمی‌کند، بلکه کیفیت دخالت‌های دولت مسئله اصلی است.

الگوی دولت حداقل با تکیه بر فروزی از قبیل وجود اطلاعات کامل و نادیده گرفتن هزینه‌های مبادله شکل گرفت و این اندیشه را رواج داد که بازار به صورت سیستماتیک کارایی را افزایش می‌دهد و سبب تخصیص بهینه منابع می‌گردد، اما مسئله اصلی این است که در دنیای واقعی، این فروض برقرار نمی‌باشند و بازار به تنهایی نمی‌تواند به صورت کارا عمل کند. بنابراین در دیدگاه حکمرانی خوب بر این مهم تاکید می‌شود که دو نهاد دولت و بازار در روند توسعه، مکمل یکدیگر هستند و وجود یک دولت کارآمد و توانمند برای دستیابی به توسعه، امری کاملاً حیاتی است. در حقیقت در الگوی حکمرانی خوب، این اعتقاد وجود دارد که کارکرد مناسب بازار مشروط به دست‌هدایت‌گر دولت است و دولت باید نهادهای پشتیبان بازار را فراهم نماید. به عبارت دیگر، دیدگاه حکمرانی خوب، نه تنها دولت و بازار را در مقابل یکدیگر نمی‌بیند، بلکه برای آن دو نقش مکملی قائل است و دولت را نهادی اجتماعی و نهادساز معرفی می‌کند که قادر است با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیط مناسبی برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و از این رهگذر به عنوان دست‌یاری دهنده بازار، موجبات رشد اقتصادی را فراهم نماید. در واقع در رویکرد حکمرانی خوب، توجه اصلی به اصلاح نهادها معطوف است. یک حکومت توانمند با نهادهای کارآمد و مشوق تولید، پیوند مستقیمی با رشد اقتصادی برقرار می‌کند و با کاهش هزینه‌های مبادله که مانع اصلی برای رونق تولید است، فضا را برای فعالیت‌های مولد مهیا می‌سازد.

در کشورهایی که نهادهای حاکم، کارآمد و مشوق بخش‌های مولد هستند، حقوق مالکیت از امنیت کافی برخوردار است، قوانین دارای شفافیت و کیفیت لازم هستند، سیاست‌ها قابل پیش‌بینی و منطبق بر منافع بلندمدت جمعی می‌باشند، نظام قضایی سالم و حاکمیت قانون برای

^۱ لازم به ذکر است که منظور از دولت به طور کلی حاکمیت است و نه صرفاً قوه مجریه.



همه یکسان است، مبارزه جدی با فساد صورت می‌گیرد، نهادهای حامی رقابت فراهم می‌شوند، جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی آزادی بیان دارند و حکومت در برابر جامعه پاسخگو است، حرکت در ریل توسعه سرعت می‌گیرد. از طرف دیگر حکمرانی بد، به حاکمیت نهادهای ناکارآمد منجر می‌گردد و هزینه‌های گزافی را نظیر کاهش رشد اقتصادی، عدم سرمایه‌گذاری مولد، بی‌اعتمادی به نهادهای عمومی و گستردگی فساد به جامعه تحمیل می‌کند.

نهادهای مالی بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول همگی بر این عقیده‌اند که حکمرانی خوب یک ضرورت حیاتی برای ادامه کمک به تحول برنامه‌های توسعه است. در نظریه حکمرانی خوب، سه رکن دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی به عنوان فعالان اصلی محسوب می‌شوند و بین این سه رکن، ارتباط نزدیکی وجود دارد. در واقع ارتباط صحیح موجود بین سه رکن مذکور، زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازد.

شاخص‌های حکمرانی جهانی^۱

برای درک بهتر حکمرانی خوب و سنجش کشورها براساس این مفهوم، شاخص‌های متعددی از سوی سازمان‌ها و نهادهای مختلف ارائه شده که از معتبرترین این شاخص‌ها، می‌توان به شاخص‌های بانک جهانی اشاره نمود. این نهاد بین‌المللی با استفاده از ترکیب شش شاخص، وضعیت حکمرانی خوب را در کشورها مورد سنجش قرار می‌دهد که در ادامه به آنها پرداخته شده است.

۱. حق اظهار نظر و پاسخگویی^۲: این شاخص، متمرکز بر میزان مشارکت مردم در امور عمومی و پاسخ‌دهی مسئولان به مردم می‌باشد و بیانگر این است که مردم بتوانند حاکمیت را در برابر آنچه که بر مردم تاثیر می‌گذارد، مورد سوال و بازخواست قرار دهند. حق اظهار نظر شهروندان و پاسخگویی دولتمردان که بیانگر جنبه‌های مختلف آزادی‌های مدنی و حقوق سیاسی است، از مسیرهای متعدد بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها اثرگذار خواهد بود. وجود آزادی‌های سیاسی اعم از آزادی بیان، قلم و اندیشه و وجود رسانه‌های متعدد، سبب تقویت آگاهی‌های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می‌شود و به مردم جامعه این قدرت را می‌بخشد که دولت‌ها را

¹ Worldwide Governance Indicators

² Voice and Accountability

انتخاب، کنترل و برکنار کنند. در چنین شرایطی که مردم عملکرد حاکمان را مورد نقد قرار می‌دهند، دولت‌ها به صورت کارا تر عمل می‌کنند.

۲. ثبات سیاسی و فقدان خشونت^۱: یکی دیگر از شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش حکمرانی خوب در یک جامعه، شاخص ثبات سیاسی و فقدان خشونت است. این شاخص به بررسی میزان ثبات رژیم حاکمان و رهبران آن، درجه احتمال تدوam حیات موثر دولت و تدوام سیاست‌های جاری در صورت مرگ یا تغییر رهبران و دولتمردان فعلی می‌پردازد. به عبارت دیگر این شاخص به ارزیابی بی‌ثباتی دولت و یا احتمال براندازی آن از طریق ابزارهای خشن، غیرمدنی و سایر عوامل می‌پردازد. درگیری‌های جناحی، نزاع‌های داخلی، تروهای سیاسی و کودتا از جمله عواملی هستند که با از بین بردن ثبات سیاسی، موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در اقتصاد یک کشور و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و در نتیجه تضعیف رشد و توسعه اقتصادی می‌شوند.

۳. اثرگذاری دولت^۲: میزان کارآمدی دولت در انجام وظایف محوله که شامل کیفیت ارائه خدمات عمومی، کیفیت نظام اداری، صلاحیت و شایستگی کارگزاران و استقلال خدمات همگانی از فشارهای سیاسی است، در این شاخص مورد بررسی قرار می‌گیرد. منظور از اثرگذاری دولت، توانایی آن در تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح است. لازمه این امر، وجود یک دستگاه اداری کارآمد و بهینه در کشور است. دستگاه اداری کارآمد باید از قدرت و مهارت‌های لازم برای اداره امور کشور برخوردار باشد و دارای این توانایی باشد که از بروز تغییرات چشمگیر در سیاست‌ها پیشگیری کند، تحت تاثیر فشارهای سیاستی قرار نگیرد و از مکانیزم‌های شفاف برای جذب نیرو برخوردار باشد. چنین دستگاه اداری کارآمدی، پاسخگوی نیازهای آحاد ملت، مروج عدالت اجتماعی، متضمن دستیابی همگان به خدمات با کیفیت و سرمایه‌های تولیدی و ایجاد محیطی مطمئن برای توسعه پایدار خواهد بود.

۴. کیفیت مقررات^۳: با توجه به اینکه در الگوی حکمرانی خوب، دو نهاد دولت و بازار مکمل هم هستند و قانون نیز ابزار اصلی مداخله دولت در اقتصاد است، لذا شاخص کیفیت مقررات،

¹ Political Stability and Absence of Violence

² Governance Effectiveness

³ Regulatory Quality



معیار مناسبی برای بررسی وضعیت حکمرانی خوب در یک کشور است. شاخص مذکور، ناظر بر مناسب بودن، تاثیرگذاری مثبت و تسهیل‌گری قوانین و مقررات در عرصه خدمات دولتی و عملکرد اقتصادی می‌باشد. با توجه به اینکه جامعه توسعه یافته، جامعه‌ای است که در آن قوانین و مقررات به حد بهینه تولید می‌شود، لذا قوانین و مقررات مطلوب و کارآمد از مهمترین نهادهایی محسوب می‌شوند که می‌توانند بر عملکرد اقتصادی جوامع تاثیر گذارند. کیفیت و کمیت قوانین و مقررات باید در جامعه در حد بهینه باشد، چراکه کم بودن قوانین و مقررات در جامعه با بروز رفتارهای بی‌قاعده و پرهزینه، امور جامعه را مختل می‌سازد. از طرف دیگر حجم بالای قوانین و مقررات دولتی و کیفیت پایین اجرای آنها، محدودیت‌های زیادی را برای فعالیتهای اقتصادی ایجاد می‌نماید و هزینه‌های اضافی را بر بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران تحمیل می‌کند که این محدودیت‌ها و هزینه‌ها به عنوان موانع جدی برای امر تولید و سرمایه‌گذاری به حساب می‌آیند و سبب نامساعد شدن فضای کسب‌وکار می‌شوند.

۵. حاکمیت قانون^۱: حاکمیت قانون به معنای برخورداری از امنیت حقوقی و قضایی و آرامش خاطر در تمامی عرصه‌های زندگی خصوصی و عمومی مردم است. نکته حائز اهمیت این است که این امنیت حقوقی و قضایی صرفاً منحصر به روابط مردم با یکدیگر نیست، بلکه حاکمیت قانون شامل احیای حقوق افراد جامعه و تنظیم روابط آنها با دولت نیز می‌باشد. استقرار امنیت قضایی، عدالت قضایی، ایجاد نظام حقوقی کارآمد و در نتیجه حاکمیت قانون در روابط اقتصادی، اجتماعی و مدنی، یکی از ارکان زیربنایی برای حاکمیت قانون به شمار می‌آید. با توجه به اینکه مولفه امنیت یکی از پیش‌نیازهای اصلی حکمرانی است و نظام قضایی نیز مهمترین نهاد استقرار امنیت در جامعه است، لذا عملکرد این نظام در هر کشور، به عنوان معیاری برای سنجش درجه مطلوبیت حکمرانی آن کشور به حساب می‌آید. نظر به اینکه عملکرد نامناسب نظام قضایی منجر به مخدوش شدن عملکرد شایسته حکمرانی خوب می‌شود، لذا نظام قضایی و دادرسی باید به گونه‌ای باشد که از یک طرف تضمین‌کننده و تحکیم‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی و از طرف دیگر نیز پاسدار حرمت و صیانت از قوانین و مقررات موجود باشد.

¹ Rule of Law



۶. کنترل فساد:^۱ فساد به معنای سوء استفاده از قدرت عمومی در جهت تامین منافع شخصی است که هزینه‌های سنگینی را بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها وارد می‌سازد. وجود فساد در جامعه، از طریق ایجاد نااطمینانی در فضای اقتصادی، عدم شفافیت و تعرض به حقوق مالکیت، جذابیت‌های اقتصاد را برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی کاهش داده که این امر، کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های مولد و سوق یافتن افراد و بنگاه‌ها به سمت فعالیت‌های غیرمولد و غیررسمی را به دنبال دارد.

مقوله فساد یکی از مهمترین مولفه‌های اثرگذار بر حکمرانی خوب است؛ چراکه وجود فساد در کشور و عدم مبارزه با آن، سبب تضعیف مشروعیت دولت و توانایی آن در فراهم ساختن نهادهای پشتیبان بازار می‌شود و در این شرایط نمی‌توان انتظار وجود دولتی کارآمد در جامعه را داشت. بنابراین شاخص کنترل فساد، یکی دیگر از شاخص‌های مورد استفاده برای ارزیابی وضعیت حکمرانی خوب است.

وضعیت حکمرانی در ایران

نگاهی به تجربه بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که در غیاب نهادهای پشتیبان بازار نظیر حقوق مالکیت امن، قوانین کارآمد، قوه قضائیه سالم و ...، الزاما با کاهش مداخله دولت، نمی‌توان به وضعیت بهتر اقتصادی دست یافت و برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، باید الگوی حکمرانی خوب اجرا گردد.

ایران یکی از کشورهای با حجم بسیار بالای دولت است که ناکارآمدی آن نیز بر همگان محرز می‌باشد. علی‌رغم اینکه رویکرد حکمرانی خوب نقش غیرقابل انکاری در بهبود وضعیت کشورها دارد، اما نگاهی به شاخص‌ها نشان می‌دهد که وضعیت حکمرانی در کشور چندان مساعد نیست. در جدول (۱) وضعیت ایران در این شاخص‌ها نشان داده شده است.

^۱ Control of Corruption



جدول (۱): وضعیت ایران در شاخص های حکمرانی بانک جهانی در سال ۲۰۱۶

شاخص های حکمرانی	دامنه نمره: از ۲,۵- تا ۲,۵+ (بهترین وضعیت)
حق اظهارنظر و پاسخگویی	-۱,۵۴
ثبات سیاسی و فقدان خشونت	-۰,۹۱
اثرگذاری دولت	-۰,۲۰
کیفیت مقررات	-۱,۲۸
حاکمیت قانون	-۰,۹۵
کنترل فساد	-۰,۶۱

Source: www.govindicators.org

همانطور که اشاره شد کارکرد اصلی حکمرانی خوب در کشورها، فراهم ساختن نهادهای پشتیبان بازار است. متأسفانه در حال حاضر وضعیت نهادی کشور بسیار ناکارآمد، معیوب و به نفع بخش-های غیرمولد اقتصاد است. آمار و ارقام تولید کشور طی یک دهه اخیر و تسلط بخش های غیرمولد بر اقتصاد هم به خوبی موید این مطلب است.

نگاهی به رکن نهادها در گزارش سالیانه رقابت پذیری مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶، تأییدی دوباره بر ناکارآمدی نهادها در ایران است. بررسی این رکن نشان می دهد که کشور در رکن نهادها تنها توانسته نمره ۳,۶ از ۷ (بهترین وضعیت) را کسب نماید و در میان ۱۳۸ کشور در جایگاه ۹۰ قرار گیرد. در جدول (۲) وضعیت ایران در رکن نهادهای گزارش رقابت پذیری قابل مشاهده است.



جدول (۲): وضعیت ایران در رکن نهادهای گزارش رقابت پذیری سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶

رتبه بین در ۱۳۸ کشور	دامنه نمره: از ۱ تا ۷ (۷ بهترین وضعیت)	برخی از مولفه‌های رکن نهادهای
۱۰۴	۳٫۹	حقوق مالکیت
۱۲۶	۳٫۲	حمایت از حقوق مالکیت فکری
۸۳	۳٫۳	انحراف در منابع عمومی دولت
۹۲	۳٫۵	پرداخت‌های غیرمعارف و رشوه
۹۱	۳٫۵	استقلال قوه قضائیه
۸۱	۲٫۹	هدر رفتن منابع توسط دولت
۴۹	۳٫۴	نقش روابط در تصمیم‌گیری‌های مقامات دولتی
۷۶	۳٫۵	کارایی چارچوب حقوقی در حل و فصل دعاوی
۱۱۶	۳٫۵	شفافیت در سیاست‌های دولت

Source: The Global Competitiveness Report 2016-2017

در ریشه‌یابی چرایی حکمرانی ضعیف در کشور، شاید بتوان بارزترین دلیل را وابستگی شدید به درآمدهای نفتی عنوان کرد. تامین بخش اصلی درآمدهای دولت و منابع مورد نیاز برای خلق ارزش افزوده از محل درآمدهای نفتی، نقش موثری بر نحوه حکمرانی در اقتصادهای نفتی دارد. به عبارت دیگر درآمدهای عظیم نفت، تاثیر به سزایی بر ساختارهای سیاسی و نهادهای حاکم بر این اقتصادها دارد. زمانی که دلارهای نفتی، منبع اصلی تامین درآمد یک کشور باشند، نهادهای حاکم به شدت متاثر می‌شوند، به‌طوری‌که نهادهای ضعیف و ضدتوسعه‌ای در جامعه مسلط می‌گردند. وابستگی اقتصاد به نفت، نوع متمایزی از نهادها را به وجود می‌آورد که به توزیع رانت و گسترش اختیارات حاکمیت، بدون نیاز به پاسخگویی منجر می‌گردد. همچنین نفت، نقش مهمی در شیوع فساد و عدم حاکمیت قانون در این کشورها بازی می‌کند. بی‌نیازی دولت‌ها از درآمدهای مالیاتی در چنین شرایطی، عدم پاسخگویی و تعامل با جامعه را نیز به همراه می‌آورد. رانت نفتی حوزه اختیارات حاکمیت را افزایش می‌دهد، اما در مقابل اقتدارش را به دلیل فراهم آمدن فرصت‌های رانت‌جویی تضعیف می‌کند.

ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و با توجه به اینکه در طول یک قرن اخیر، درآمدهای کشور به طور عمده از محل دلارهای نفتی تامین شده است، نهادها و سیستم قاعده گذاری به گونه ای شکل گرفته که منجر به حکمرانی ضعیف در کشور شده است. کیفیت پایین حکمرانی به چالش هایی نظیر رشد اقتصادی پایین، شیوع فقر، گستردگی فساد و کاهش اعتماد به حاکمیت انجامیده است.

حکمرانی ضعیف و تسلط نهادهای ناکارآمد و ضد مولد در کشور، انگیزه برای فعالیت های سازنده و ورود بخش خصوصی واقعی به عرصه فعالیت های اقتصادی را از بین برده است. در چنین شرایطی بخش های تولیدی، فعالیت های صنعتی، اشتغال زایی و دستیابی به اهداف توسعه ای اسناد بالادستی، دور از انتظار است.



نتیجه‌گیری:

نظریه حکمرانی خوب نقطه عطفی در نظریات توسعه به شمار می‌رود و به نقش مکمل بازار و دولت و اثرگذاری حاکمیت بر کل نظام اقتصادی تاکید دارد. در این نظریه، کیفیت دولت‌ها از الزامات دستیابی به توسعه به شمار می‌رود.

با عنایت به اینکه سال پیش‌رو از سوی مقام معظم رهبری با عنوان "اقتصاد مقاومتی: تولید و اشتغال" نامگذاری گردیده است، توجه به مساله حکمرانی خوب بیش از پیش از اهمیت برخوردار می‌گردد. دستیابی به اقتصادی مقاوم، نیازمند تقویت بنیه تولیدی کشور و قاعده‌گذاری به نفع بخش‌های مولد می‌باشد که این مهم بدون حرکت به سمت حکمرانی خوب محقق نخواهد شد. طبق گزارشات متعدد بین‌المللی، حکمرانی خوب از الزامات اولیه برای داشتن اقتصادی تاب‌آور است و همواره به عنوان یکی از مولفه‌های اساسی برای بالا بردن مقاومت اقتصادی، توصیه گردیده است.

علی‌رغم تلاش‌ها، مطالعات و اقداماتی که طی سال‌های اخیر برای دستیابی به اقتصادی مقاوم، صورت گرفته است، اما نتایج حاکی از این است که تا زمانی که موانع اصلی برای تحقق اقتصادی تاب‌آور شناسایی نگردد، هرگونه تلاش و اقدامی به نتایج مورد انتظار منتهی نخواهد شد. در شرایطی که حاکمیت قانون برقرار نیست، کیفیت قوانین و مقررات پایین است، حکومت خود را در برابر جامعه پاسخگو نمی‌داند، فساد به پدیده‌ای رایج بدل شده است و مشارکت مدنی در حداقل خود قرار دارد، فضا برای فعالیت‌های اقتصادی مولد و اشتغالزای فراهم نخواهد شد و سرمایه‌گذاری‌های سازنده که خیز اقتصادی را نوید دهد، صورت نخواهد گرفت. بنابراین برای دستیابی به اقتصادی مقاوم لازم است که اراده‌ای جدی برای حرکت به سمت حکمرانی خوب در دستور کار مسئولان قرار گیرد. شایان ذکر است که تحقق حکمرانی خوب در کشور تنها بر عهده دولت نمی‌باشد، بلکه این مهم نیازمند مشارکت همه جانبه قوای سه‌گانه و عزمی فراقوه‌ای است.



منابع فارسی:

۱. استیگلیتز، جوزف، (۱۳۹۳)، "جهانی‌سازی و مسائل آن"، مترجم: حسن گلریز، نشر نی، چاپ ششم.
۲. برادران شرکا، حمیدرضا و ملک الساداتی، سعید، (۱۳۸۶)، "حکمرانی خوب کلید توسعه آسیای غربی"، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۶.
۳. بشیری، عباس و شقاقی شهری، وحید، (۱۳۹۰)، "حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکرد اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب)"، دوماهنامه بررسی‌های بازرگانی، شماره ۴۸.
۴. چانگ، هاجون، (۱۳۹۲)، "نیکوکاران نابکار"، مترجمان: میرمحمود نبوی و مهرداد شهبابی، انتشارات کتاب آمه، چاپ اول.
۵. دانایی فرد، حسن، بابا شاهی، جبار، آذر، عادل و کردنائیج، اسدالله، (۱۳۹۱)، "تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟"، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۶، شماره ۴.
۶. دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۳)، "نظریه حکمرانی خوب: توانمندسازی دولت".
۷. دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۲)، "نهادهای سیاسی و حکمرانی".
۸. دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۲)، گزارش "حکمرانی خوب در ادبیات مدیریت".
۹. دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، (۱۳۸۲)، "حکمرانی و مبارزه با فساد".
۱۰. سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت، (۱۳۹۰)، "تحلیل تاثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی (مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN))"، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، سال اول، شماره چهارم.
۱۱. کمپجانی، اکبر و سلاطین، پروانه، (۱۳۸۹)، "تاثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD"، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال دوم، شماره ۲.

۱۲. کارل، تری‌لین، (۱۳۹۴)، "معمای فراوانی: رونق‌های نفتی و دولت‌های نفتی"، مترجم: جعفر خیرخواهان، نشر نی، چاپ پنجم.
۱۳. کمیجانی، اکبر، پروانه، سلاطین، (۱۳۸۹)، "بررسی تاثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)"، سال هفتم، شماره ۲۰.
۱۴. مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، (۱۳۹۵)، "مطالعه‌ای در باب پدیده فساد: دلایل بروز، تبعات و راهکارهای مبارزه".
۱۵. محسنی زنوزی، جمال‌الدین، شهبازی، کیومرث و پرناک، روناک، (۱۳۹۳)، "مطالعه اثر درآمدهای نفتی بر شاخص حکمرانی خوب در کشورهای منتخب عضو اپک"، نشریه سیاست-گذاری پیشرفت اقتصادی، دوره ۲، شماره ۴.
۱۶. مومنی، فرشاد، (۱۳۸۶)، "اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری"، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
۱۷. میدری، احمد، (۱۳۸۵)، "مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم"، شماره ۲۲.
۱۸. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر، (۱۳۸۳)، "حکمرانی خوب، بنیان توسعه"، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.

منابع لاتین:

1. The Global Competitiveness Report 2016-2017
2. www.govindicators.org



فرم ارزیابی بروشور

۱- مفاهیم ارائه‌شده در بروشور اقتصاد به زبان ساده را تا چه میزان مفید ارزیابی می‌کنید؟
 عالی خوب متوسط ضعیف

۲- آیا با تهیه نسخه‌های بعدی بروشور موافقت می‌کنید؟
 بلی خیر

۳- پیشنهادات شما برای بهبود نسخه‌های بعدی بروشور چیست؟

.....

۴- از نظر شما در نسخه‌های بعدی بروشور، بایستی به معرفی چه متغیرها یا مفاهیم اقتصادی پرداخته شود؟

.....

۵- برگزاری چه دوره‌های آموزشی را برای به‌روزرسانی دانش هیئت نمایندگان محترم پیشنهاد می‌نمایید؟

.....

